



گفتاوان



زهرا(س)، الگویی جاودان

«مدتی است که رسانه‌های دشمن همه‌ای را علیه ارزش‌های اسلامی و مسئله‌ی حضور زنان در اجتماع ایجاد کرده‌اند. متأسفانه مبلغین مسلمان هم به خوبی نتوانسته‌اند آن ارزش و جایگاهی را که دین مبین اسلام برای حضور فعال و موثر زن در جامعه در نظر گرفته است را به آحاد مردم جامعه انتقال دهد. از بدیهی‌ترین محبت‌ها و توجهاتی که اسلام به زنان کرده است همین مسئله حجاب است. در فلسفه حجاب در اصل هموار کردن مسیر بانوان برای حضور بیشتر و فعال‌تر در اجتماع است. در اصل حجاب به جامعه می‌فهماند که شما حق ندارید به خاطر جنسیت من به من نگاه کنید. بلکه توجه اصلی شما باید به نقش اصلی انسانی و بعد اجتماعی من باشد. اینک ما شاهد آنیم که همان تفکر غریزه‌ای که تا ۱۰۰ سال پیش هیچ‌گونه حق مالکیتی برای زن قائل نبود و عملاً زن‌ها را به عنوان جنس درجه ۲ به جهانیان نشان میداد و حتی گاهی موضوع اصلی بحث اندیشمندان سر این مسئله بود که آیا زن را هم میتوان جزو انسان حساب کرد؟ امروز به اسلام ایراد می‌گیرید که چرا شما آزادی‌های سیاسی



بازدید از مجتمع آموزشی سراج

«در زمانی که جمهوری اسلامی، خود برای نابودی اش نسل‌های سکولار تربیت می‌کند، از مکانی بازدید کردیم که با وجود اختلال در نظام آموزش و پرورش آتش به اختیار انسان‌هایی تربیت می‌کند که هم اکنون و نه در آینده‌ای دور نیازهای خود و مدرسه را تامین می‌کنند. هر کسی با این مدرسه ارتباط دارد از معلم، دانش آموز تا پدر و مادرها سال به سال به طور محسوس رشد می‌کند. محلی که از آن بازدید کردیم هرچیزی می‌تواند باشد جز مدرسه! آنجا خانه بود یا کارگاه و یا استراحتگاه نمی‌دانم اما هرچه هست همه آنجا خوشحال بودند. در این مدرسه جایزه کار بود و دانش آموز از سپردن مسئولیت خوشحال می‌شد. درسها از هم تفکیک نمی‌شدند و پشت نیمکت‌های زمخت دو نفره در کلاس‌های خشک و بی‌روح و از زبان معلمان چند شغله به دانش آموزان تفهیم نمی‌شد بلکه دانش آموزان به صورت طبیعی در مدرسه زندگی می‌کردند و تا زمانی که در مدرسه کار داشتند مدرسه را ترک نمی‌کردند! دانش آموز در این مدرسه

«اعضای انجمن اسلامی دانشجویان روز سه شنبه مورخ ۹۶/۱۲/۸ بازدید علمی از مدرسه سراج واقع در شهرک غرب تهران داشتند. مدرسه سراج به دلیل نوع متفاوت سیستم مدیریتی خود که مبتنی بر مسئله محوری است از مدارس خاصی هست که سعی دارد تا سبک نظام تربیتی خود را به تدریج از سبک رایج سیستم آموزشی غربی موجود در مدارس است جدا کند.»

و اجتماعی به زنان خود نمیدهد. در صورتی که خود آن‌ها بهتر میدانند هنوز سابقه‌ی حضور زنان در انتخابات‌ها و فعالیت‌های سیاسی از یک قرن در کل اروپا و آمریکا تجاوز نمی‌کنند. در صورتی که حضرت پیامبر ۱۴۰۰ سال پیش با زنان جامعه برای قبول انتقال ولایت به امیرالمؤمنین بیعت می‌گرفته و یا اینکه قراءترین و کوبنده‌ترین خطابه‌ی سیاسی معصومین مربوط به سخنرانی حضرت زهرا در مقابل خلیفه‌ی اول اهل سنت است که در آن خطبه حضرت به شدت دست به انتقاد علیه دستگاه حکومتی می‌کند. و همچنین در چند سال بعد ما شاهد درخشش حضرت زینب (س) رویه‌روی حکومت جور و ظلم بنی امیه و دستگاه یزید هستیم درست در زمانی که جو خفقان به طور کامل بر رجل سیاسی و مذهبی حکمفرماست. این موضوع نشان‌دهنده آن است که نه تنها اسلام مشکلی با حضور فعال سیاسی و اجتماعی زنان در سطح جامعه ندارد بلکه با توجه به الگوی رفتاری حضرت زهرا (س) گاهی حضور سیاسی بانوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

وحید نجفی / دانشجوی رشته روانشناسی

مسئله محور است، دانش آموز زندگی اش را می‌کند؛ برای تامین ناهارش سبزی می‌کارد، مرغ و ماهی پرورش می‌دهد، بازی می‌کند، مستند می‌سازد، وسایل مورد نیازش را می‌سازد و هر جا به ریاضی و علوم و... نیاز دارد از معلم سوال می‌کند اگر به همکاری و اصول کار جمعی نیاز دارد به آن می‌رسد، اگر باید صبر بیاموزد آن را در کاشت سبزی می‌آموزد و درس شجاعت را در کوه یاد می‌گیرد؛ دانش آموز در این مدرسه فرصت اشتباه کردن دارد این مجال به او داده می‌شد که چندین بار ماهی را به کشتن دهد تا به این نتیجه برسد که فکری به حال میزان هوای آب استخر کند.

پاسخ معاون آموزش مدرسه به این سوال که تفاوت شما با سایر مدارس در چیست؟ این بود که ما تا جایی که بتوانیم به دانش آموز کار نداریم، دانش آموز را محدود و جزئی نگر نمی‌کنیم و به او اجازه می‌دهیم در مسیر فطری اش حرکت کند و شکوفا شود. به راستی چه ضروری داریم تجربه‌ی شکست خورده‌ی غرب را تکرار کنیم، کسانی که در حال حاضر مسائل جامعه‌ی غربی را حل می‌کنند چه کسانی هستند تربیت شدن این نظام آموزش فشل یا اخراجی‌های این سیستم؟! حاصل این نظام آموزش در بهترین حالت کارمند تحصیل کرده‌ی زیاده‌خواه نق‌زن و بی‌هنریست که پاس کردن تعداد زیادی واحدهای غیر کاربردی و فراموش شده از دولت و زمین و زمان طلبکار است.

به راستی چه شده که پدربزرگان ما که به مدرسه نمی‌رفتند از سیزده سالگی قادر به تامین نیازهای خود و تشکیل خانواده بودند اما فارق التحصیل سی ساله‌ی این سیستم قادر به تامین نیازهای اولیه‌ی خود نیست.

عباس کاشی/ دبیر انجمن اسلامی دانشگاه خوارزمی تهران

دیدگاه دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه نسبت به سوسک



♦ دانشجو‌ی همیشه شاهد اعمال ولی هیچوقت و در هیچ شهادت نمی‌دهد!

♦ دانشجو‌ی جغرافیا: مکان، آب و هوا و شرایط محیطی در او تأثیری ندارد چون او همه جا هست!

♦ دانشجوی مهندسی: شجاعتش برایم قابل تحسین است چون ماکت هر پل یا ساختمانی را که می‌سازم بدون توجه به احتمال تخریب آن، به رویش می‌رود و افتتاحش می‌کند!

♦ دانشجوی پزشکی: تنها موجودی است که از تیغ تشریح من هراسی ندارد و به طرفم می‌آید تا با فدا کردن جاننش موجب پیشرفت علم پزشکی شود!

♦ دانشجوی مدیریت: با آن جنه کوچک، آنچنان خانواده پرجمعیتش را مدیریت و اداره می‌کند که انگار مدیر بودن باید در خون هر کس باشد و درس خواندن بی‌فایده است!

♦ دانشجوی زبان و ادبیات فارسی: او هیچوقت حرفی نمی‌زند ولی با سکوتش هزاران حرف را به من می‌آموزد!

♦ دانشجوی روانشناسی: درون گرا، خجالتی، کم حرف، یک شخصیت منحصر به فرد!

♦ دانشجوی علوم سیاسی: به هیچ دسته و گروهی وابسته نیست، تک و تنها برای هدفش تلاش می‌کند!

♦ دانشجوی برق: وقتی روشنایی و خاموشی در نحوه حرکت او بی‌تأثیر است من را متوجه نیرویی فراتر از برق می‌کند!

♦ دانشجوی کامپیوتر: مغز کوچک او با آن همه ذخایر اطلاعاتی بسیار پیشرفته تر از فلش ۳۲ گیگ است!

♦ دانشجوی فیزیک هسته‌ای: زندگی در خوابگاه حق مسلم اوست!

♦ دانشجوی تربیت بدنی: آنقدر عضلاتش نیرومند است که می‌تواند از دیوار راست هم بالا برود!

♦ دانشجوی زبان شناسی: هیچکس زبانش را نمی‌فهمد!

♦ دانشجوی علوم تربیتی: شیوه تربیتی او در تعلیم فرزندان بی‌شمارش برایم قابل احترام است چرا که تمام آن فرزندان بی‌چون و چرا ادامه دهنده راه او می‌باشند!

♦ دانشجوی زمین شناسی: کاش می‌توانستم به مانند او به اعماق زمین بروم و ندیدنی‌ها را ببینم!

♦ دانشجوی زبان انگلیسی: It is always silent!

♦ دانشجوی تاریخ: گذشت اعصار و قرون نتوانسته هیچ تأثیری در ظاهر و عقاید و شیوه زندگی او بگذارد!

♦ دانشجوی فلسفه: همیشه فلسفه وجودی او برایم سوال بوده ولی مطمئنم که در پس خلقتش هدفی والا نهفته است!

♦ دانشجوی هنر: هیچوقت منتظر نمی‌شود تا بتوانم پرتره اش را تمام کنم!

♦ دانشجوی مکانیک: با الهام از او توانستم خودرویی بسازم که هم در آب و خشکی حرکت کند و هم بتواند از سطوح صاف و صیقلی بالا برود!

♦ دانشجوی آمار: بدون شک از یک روش آماری قوی برای محاسبه تعداد فرزندانش بهره می‌برد!

♦ دانشجوی اخلاق: آنقدر با مرام و پایبند به اخلاقیات است که تا به حال نگذاشته هیچکس اشک او را ببیند حتی زمانیکه فرزندش را جلوی چشمانش له می‌کنند!

♦ دانشجوی علوم ارتباطات: تا او هست، هیچکس تنها نیست!

♦ دانشجوی آمار: بدون شک از یک روش آماری قوی برای محاسبه تعداد فرزندانش بهره می‌برد!

♦ دانشجوی اخلاق: آنقدر با مرام و پایبند به اخلاقیات است که تا به حال نگذاشته هیچکس اشک او را ببیند حتی زمانیکه فرزندش را جلوی چشمانش له می‌کنند!

حدیث هفته

«... هوا گرم است اما نزدیک خانه شان که می شوم، نسیم خنکی آرامم میکند، به گمانم بدانم خانه کیست، ای کاش این رویا هرگز تمام نشود؛ نزدیک تر که میشوم اوایی از خانه به گوش می رسد که به آوای فرشتگان می ماند، گوشم را مماس بر در میکنم تا بهتر بشنوم: ((الهی وسیدی...)) صدایش گوش نواز است، به دزد کی شنیدنش می ارزد، باز گوشم را مماس میکنم: ((اے سئلک بالذین اصطفیتهم و بکاء ولدی فی مفارقتی ان تغفر لعصاة شیعیتی و شیعة ذریتی...)) (۱)

در خیالم نمی گنجد، باور کردنش سخت است، اما صدای بانویم، صدای بانو فاطمه مرضیه است. ای کاش می توانستم در بزنم و آنگاه که در را گشودید خود را مهمان آغوش گرمتان کنم، ای کاش می توانستم بپرسم که چرا برای شیعیانی چون ما دعا میکنید؟ شیعیانی که نمک می پاشند بر زخم هایتان با گناهان ریز و درشت؛ بانوی من چرا برای دلتنگی های مولا دعا نمیکنید، چرا برای غم زینب و درد پهلویتان دعا نمیکنید، مگر غم هجران شما بر زینب کم است، خانم جان چرا این دل راییمار خود می کنید؟ آخر مادر جان معادله سختی است، فهمیدنش بر ایم سخت است، چگونه می شود که یک طرف معادله نمک پاشی شیعیان باشد و طرف دیگر آن دعا و مرهم های شما بر دل آنان؟

ترجمه حدیث: خداوند با حق اولیاء و مقربانی که آنها را برگزیده ای و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدایی من با ایشان، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی.

۱: کوکب الدری، جلد یک، ص ۲۵۴

سحر حسن زاده/ادبیات عرب

آن بیشتر به یک نمایش تبلیغاتی جهت سرگرم کردن مردم شباهت دارد!

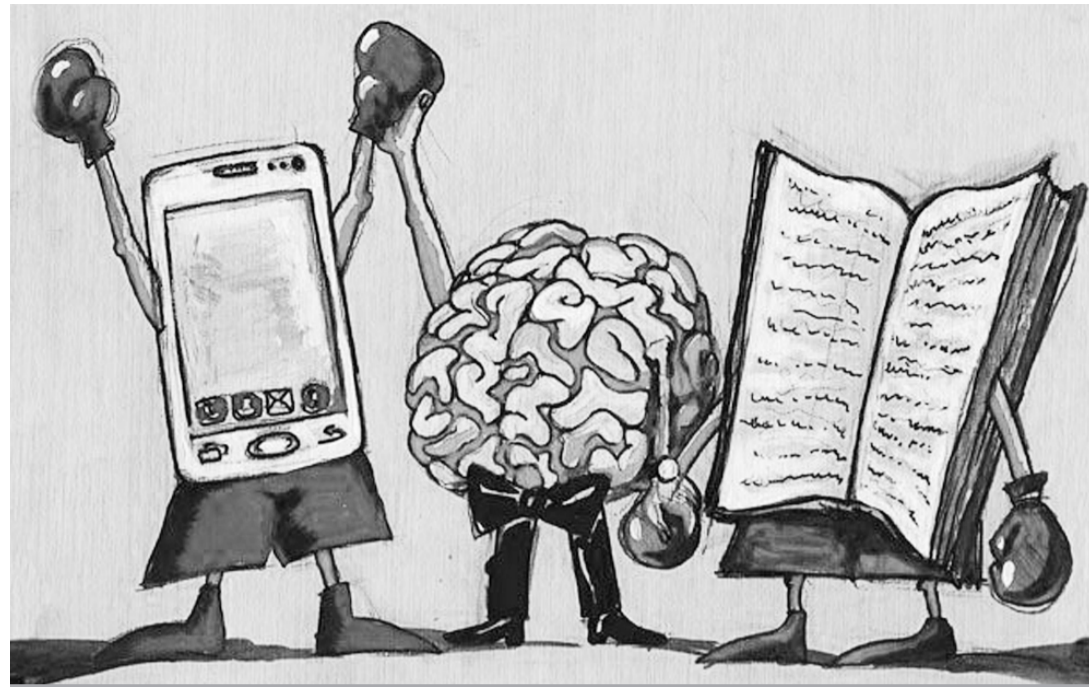
اما مضراتی که برای آن برشمرده اند ظاهراً بیشتر از فوایدش می باشد!

کهوور گیاهی ست که ریشه هایش می تواند تا عمق پنجاه و سه متری زمین نفوذ کند و آب خوزستان و خاکش را تخریب کند.

ریشه های این گیاه از آب های زیرزمینی تغذیه می کند، برگریزش آلودگی تولید می کند و زیرش علف که مهمترین مانع ریزگرد است سبز نخواهد شد.

از بین بردن قلمرو چراگاه ها و سخت شدن ماهیگیری، غیرقابل زیست بودن زمینی که توسط این گیاه پوشش داده شده برای انسان و حیوان، بیمار و نحیف شدن چهارپایان و ریختن دندان ها و فلج شدن فکشان از جمله مضراتی ست که برای این گیاه برشمرده شده است.

دکتر حمودالحسنی مدیرعام تحقیقات کشاورزی درباره ی گیاه کهوور گفته است: با دستور مستقیم پادشاه، کمپین مبارزه با نسکیت افتتاح می شود. این درخت، گیاهان و درختان و درختچه های بومی را نابود می کند و برگ هایش حاوی مواد سمی است و گرده هایش باعث حساسیت می شود و تغذیه ی دام ها از غلاف میوه هایش باعث ریختن دندان دام و لاغری و تلف شدن دام می شود و نیز باعث شور شدن آب چاه ها می شود چون تاثیر منفی روی



ایران، جامعه بی مطالعه

میگیرد و هم چنین افرادی که به یقین معرفتی رسیده اند محتاج جستجو و مطالعه نیستند. مطالعه امری است دشوار و خواندن مستلزم صبر و شکیبایی در برابر جملاتی است که به راحتی تن به فهم شدن نمی دهند. به همین خاطر تنبلی تاریخی ما را به امتناع در اندیشه کشانده است ما دچار کرحتی شده ایم بی حالی و تن آسایی در همه ی منافذ زندگی ما جریان یافته است از این رو فارغ از مطالعه به سر می بریم چرا که جنبش غیر جدی سازی نیز به نحو تاریخی بنیان سست اندیشه های ما را فراهم نموده است گویی در این دنیا هیچ چیز آن قدر جدی نبوده که به سبب آن خود را به سختی بیفکنیم یا در وهله دیگر می پنداریم با مطالعه چند سطر از یک کتاب مملو از علم گشته ایم و قله های علم را فتح نموده ایم و از علل دیگر عدم گرایش ما به این امر عدم آگاهی ما از تناقضات درونی و بی اهمیتیتی حل این تعارضات نیز می تواند باشد

مهری بابالو دانشجوی رشته تربیت بدنی

یکی از ویژگی های منفی جامعه ایرانی در عرصه های فردی و اجتماعی میزان بسیار پایین مطالعه می باشد از این رو جامعه ایران را می توان جامعه فقدان مطالعه نام نهاد. بنا به گفته های رئیس سازمان کتابخانه ملی ایران سرانه مطالعه هر شهروند ایرانی تنها دو دقیقه در روز است که این میزان در مقایسه با کشورهای توسعه یافته همانند ژاپن ویا انگلیس با سرانه مطالعه در حدود ۹۰ دقیقه در روز و یا در مقایسه با کشورهای در حال توسعه همانند ترکیه یا مالزی با ۵۵ دقیقه در روز یک فاجعه است. سهم هر ایرانی را از مطالعه ۳ تا ۳۰ دقیقه بر شمرده اند. نمونه هایی از علل این وضعیت نا امیدکننده در ایران از جمله: «گران بودن قیمت کتاب، فقدان وقت کافی برای مطالعه، سرگرم شدن به مسائل جانبی و یا نبود کتاب مناسب برای سلیقه های مختلف»

گرتشنگی نباشد آب خواهی و آب خواری چه معنایی دارد؟ عدم اقدام به مطالعه به علت عدم احساس نیاز در انسان می باشد از این رو مولانا توصیه می کند: «آب کم جوتشنگی آور بدست تا بجوشد آبت از بالا پوست». خودشیفتگی فرهنگی و قومی سبب شده است نوعی احساس سیری و اشباع شدگی کاذب درون ما را فرابگیرد که از همان فقدان احساس نیاز ریشه



خوزستانی ها بدانند!

و این در حالی ست که کاشت این گیاه با صرف هزینه های هنگفت به وسعت چهل هکتار توسط نیروهای جهادی و انقلابی به دستور نهادهای ذی ربط در مناطق جنوبی کشور در حال انجام است.

از جمله فوایدی که برای این گیاه برشمرده شده کم کردن طوفان های شنی و خاکی ست که مسئولین را بدون توجه به مضرات آن به کاشت این گیاه واداشته است. گیاهی که تاثیر آن بر ریزگردها تا پنجاه سال آینده هم نمایان نخواهد شد و کاشت

کهوور آمریکایی با نام علمی پروپویس جولی فلوریا و یا نام انگلیسی مسکیت نام یک گونه کهوور آمریکایی ست که در حال حاضر جهت مقابله با ریزگرد ها در خوزستان در حال کاشت است.

درباره ی این گیاه خطرناک و مهاجم تحقیقات زیادی صورت گرفته و مقالات علمی بسیاری نوشته شده.

در پی تحقیقات صورت گرفته درباره ی این گیاه، کاشت آن در حدود صد و ده کشور ممنوع اعلام شده



خاطراتی از شهید جاوید الاثر ابراهیم هادی

«یاقاطمه الزهرا»

راوی: حسین جهانبخش

از همان دورانی که در زورخانه بودیم ابراهیم به خوبی با معارف دینی آشنا بود به تمامی اهل بیت ارادت داشت اما نسبت به حضرت زهرا (س) ارادت ویژه ای داشت. نام مادر سادات راکه به زبان می آورد بلافاصله میگفت: سلام الله... علیها.

یادم هست یکبار در زورخانه مرشد بخاطر ایام فاطمیه شروع به خواندن اشعاری در مصیبت حضرت زهرا (س) نمود. ابراهیم همانطور که شنا می رفت با صدای بلند شروع به گریه کرد.

من و دیگران نمی فهمیدیم که چرا ابراهیم اینگونه گریه می کند؟! لحظاتی بعد صدای او بلندتر شد و به حق افتاد طوری شد که برای دقایقی ورزش مختل شد و مرشد زورخانه شعرش را عوض کرد.

ابراهیم بعد از عملیات فتح المبین با مشاهده کرامات بی شماری که نتیجه توسل به حضرت زهرا (س) بود ارادتش بسیار بیشتر شد.

روزی که از بیمارستان نجمیه مرخص شد و او را به خانه آوردیم. حدود هشت نفر از رفقاییش حضور داشتند مادر و خواهرش نیز در خانه بودند. ابراهیم گفت: «وسط اتاق را پرده بزنید تا خانم ها نیز بتوانند ببینند، می خواهم روضه حضرت زهرا (س) بخوانم» و با صدایی سوزناک می خواند و خودش مثل

ابر بهار اشک می ریخت.

این ماه های آخر، خصوصاً در پائیز ۱۳۶۱ هر جا می رفتیم و از ابراهیم می خواستند مداحی کند، بلافاصله شروع به ذکر مصیبت حضرت زهرا (س) می کرد، بعد هم خودش از حال می رفت.

مهری بابالو دانشجوی رشته تربیت بدنی

نویسنده: ناهید بابایی
به تحقیق: سید محمد مهدی صدرالسادات

آب های زیرزمینی دارد علاوه بر آن رشد و نمو این درخت باعث گرفتگی مجاری آب باران و سیل ها و تغییر مسیر روان آب های ناشی از بارندگی می شود. حال با توجه به خسارات ناشی از این گیاه و تلاش سایر کشورها برای نابودی این گیاه مسئله این است که آیا مسئولین اطلاعات کافی از این گیاه نداشته و در عین حال بر کاشت آن مصراند یا با وجود اطلاعات کافی جهت به نمایش گذاشتن اقدامات خود در جهت سرگرم و آرام نمودن مردم، اقدام به کاشت این گیاه مرگبار نموده اند؟!

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان
مدیر مسئول و سردبیر: وحید نجفی
هیئت تحریریه: عباس کاشی - مهری بابالو - ناهید بابایی - وحید نجفی - سحر حسن زاده
ویراستار: مائده سادات فاطمی
طراح نشریه: مسعود محمدی
ارتباط با ما: @khuisa_admin
@khuisa
@khu.isa